

آقارضا، فرزند علی اصغر کاشی، نقاش چیره‌دست و نامدار سده‌های ۱۰-۱۱ق / ۱۶-۱۷م.

منابع و اطلاعات موجود در شرح احوال و آثار او را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست، نقاشیها و آثار به‌جامانده از او، چون «مرقع گلشن» که در فاصله ۱۰۰۸-۱۰۱۸ق به جهانگیر (حک: ۱۰۱۴-۱۰۳۷ق) تقدیم داشت و اکنون در موزه گلستان تهران نگهداری می‌شود و مرقعی به ضمیمه نسخه خطی کتاب انوار سهیلی (شم ۱۸۵۷۹) در کتابخانه موزه بریتانیا؛ دسته دوم منابع متقدم و هم‌عصر او، از جمله جهانگیرنامه، تاریخ عالم‌آرای عباسی و گلستان هنر، که آگاهیهای مختصری درباره او به دست داده‌اند.

تاریخ ولادت آقارضا دانسته نیست، اما با توجه به امضای یکی از آثارش که در آن خود را در ۱۰۳۰ق، ۶۰ ساله خوانده است می‌بایست در ۹۷۰ق / ۱۵۶۳م متولد شده باشد (کریم‌زاده، ۲۰۲۰۱: ۲۰۲۰۱؛ دریائی، ۶۸).

آقارضا در اصل کاشانی بود و اینکه او را هروی خوانده‌اند یا از آن روی است که وی چندی در هرات به سر برده یا آقارضا هروی احتمالاً شخصی دیگر غیر از آقارضا کاشی بوده است. آقارضا حدود ۱۰ سال از ایام کودکی خود را به همراه خانواده‌اش در مشهد در دربار سلطان ابراهیم میرزا گذراند، و در این مدت در منزل شرف‌الدین حسین منشی قمی پدر قاضی میراحمد منشی اقامت‌گزید (منشی قمی، ۱۹۳). پدر وی نقاش معروف دربار سلطان ابراهیم میرزای صفوی (۹۸۴ق) بود. آقارضا نزد پدر و سایر استادان آن زمان از جمله عبدالواحد شیرازی به فراگیری هنر نقاشی پرداخت و به‌ویژه در طراحی چهره به مهارتهایی دست یافت و در سیاه‌قلم از پدر پیشی گرفت (همو، ۱۴۹؛ اسکندریبگ، ۱۷۶/۱؛ سهیلی، ۱۵۰؛ دریائی، همان‌جا). او در همان اوان جوانی به دربار شاه‌عباس اول (حک: ۹۹۶-۱۰۳۰ق) راه یافت، و دیری نپایید که چهره‌پرداز خاص دربار صفوی شد؛ چندان‌که شاه‌عباس به‌وی لقب «نادر الزمان» و «وحید دوران» داد و نیز مؤلف کتاب گلستان هنر (ص ۱۴۲-۱۵۰) او را برتر و بالاتر از مانی و بهزاد به‌شمار آورد. اما چندی بعد به‌سبب بی‌بندوباری از دربار رانده شد (منشی قمی، ۱۴۹-۱۵۱؛ اسکندریبگ، همان‌جا؛ کریم‌زاده، ۲۰۱؛ بیانی، ۲۳۵). او

سرانجام راهی هندوستان گردید. تاریخ ورود او به شبه‌قاره دانسته نیست، اما با توجه به اینکه تاریخ یکی از آثارش که آن را در شبه‌قاره پدید آورده متعلق به ۱۰۰۸ق است، سفر وی می‌بایست پیش از این تاریخ صورت گرفته باشد. سفر وی به هند از طریق مشهد و قندهار بوده است. او در مشهد در منزل حاجی میرزا خواجگی صورتی کشید و در کنار آن امضا کرد «راقمه رضا سنه ۱۰۰۷ق». در هند به خدمت جهانگیر، که در آن زمان بر پدر شوریده بود و در الله‌آباد دعوی سلطنت داشت درآمد و کارگاه هنری مستقلی برای خود ایجاد کرد. چون شاهان مغول به‌ویژه جلال‌الدین اکبر و فرزندانش جهانگیر آرزومند بودند که در جلال و شوکت و عالم‌آرای بر شهریاران صفوی برتری یابند، مقدمات بسیاری برای هنرمندانی چون آقارضا فراهم ساختند، و آقارضا و فرزندانش ابوالحسن توانستند با بسط و تلفیق هنر صفوی که از ایران به ارمان برده بودند با هنر هندی مکتب پرمایه‌ای ایجاد کنند که سالها در آن دیار رواج داشت. نخستین اثر آقارضا در هند، در ضمام مرقع گلشن در تهران بارقم «شاه سلیم، غلام با‌اخلاص، آقا رضای مصوری، ... فی‌التاریخ، رمضان ۱۰۰۸» نگهداری می‌شود (کریم‌زاده، ۲۰۲۰۱: ۲۰۲۰۱؛ دریائی، ۶۸-۶۹؛ سهیلی، بیانی، همان‌جاها؛ نیز قس: سوسک، ۱۸۱-۱۸۰).

آقارضا در آثاری که در هند از خود به‌جا گذاشته خویش را «غلام»، «بنده» و «مرید با‌اخلاص» شاه‌سلیم یا پادشاه‌سلیم خوانده و نیز در ادامه نام خودش نسبت «جهانگیری» یا «جهانگیر شاهی» اضافه کرده است. به‌علت شباهت آثار

نخستین این هنرمند با نقاشیهای رضا عباسی، که گاه تنها رقیب آقارضا بود و پس از او نقاش ویژه دربار صفوی شد، آثار آن دو گاه با یکدیگر خلط شده اما با تحقیقات جدیدی که در این اواخر انجام گرفته تا حدی این مشکل برطرف گردیده است (نک: کریم‌زاده، ۲۰۲؛ جغتائی، ۳۱-۳۶؛ همایونفرخ، ۲۷-۳۰؛ اقبال، «آقا رضا عباسی...»، ۳۷-۵۷). ظاهراً پرسى براون نخستین کسی بود که بر اساس مطالب و گزارشهای جهانگیرنامه، «آقارضا» و «رضا عباسی» را شخصیت‌های جداگانه دانست، پس از او سرتوماس آرنولد نیز این مطلب را تأیید کرد (جغتائی، ۳۴).

برخی از محققان، آقارضا کاشی و آقا رضا هروی را دو تن جداگانه دانسته‌اند. در منابع دوره صفوی هیچ‌گونه اطلاعی از آقارضا پس از رانده شدنش از دربار صفوی در دست نیست. از سوی دیگر، در دوره جهانگیری نیز اطلاعی از سوابق وی و خانواده‌اش موجود نیست و لذا صرفاً به خاطر نسبت «هروی» و «کاشانی» نمی‌توان آن دو را شخصیت‌های جداگانه‌ای انگاشت. او چه بسا در مدت اقامتش در مشهد، مدتی نیز در هرات به سر برده و از آنجا نسبت هروی یافته باشد.

تاریخ وفات آقارضا دانسته نیست، اما با توجه به اینکه رقم یکی از تصاویرش ۱۰۳۰ق است (کریم زاده، ۲۰۲-۲۰۱)، درگذشت وی را می‌بایست پس از این تاریخ دانست. دو فرزند آقارضا یکی ابوالحسن و دیگری محمدعابد از هنرمندان برجسته عصر خود بودند. جهانگیر در ۱۰۲۷ق به ابوالحسن لقب «نادرالزمانی» داد و در کتابش او را هم‌ردیف عبدالحی و بهزاد دانست (جهانگیر، ۲۶۶). ورما<sup>(۱)</sup> در کتاب «نقاشان مغول»<sup>(۲)</sup> (ص 48-55) فهرستی شامل ۶۴ تصویر از ابوالحسن نادرالزمانی به دست داده است. ورما از چند نقاشی دومین پسر او محمدعابد، یاد کرده است (همان‌جا) که نقاشی‌های وی بیشتر متعلق به دوران شاهجهان است. برخی از آثار اصیل و رقم‌دار آقارضا عبارت‌اند از:

۱. تصویری زیبا و نفیس در یکی از مرقعات موزه ویکتوریا و آلبرت لندن. در این تصویر پیرمردی با دستار سپید در حالی که یک پای خود را بر زمین نهاده و پای دیگر را بلند کرده پیکانی را به سوی هدف نشانه گرفته است. بر روی پای چپ او یک کمان آویزان و یک گرز فلزی دیده می‌شود.

۲. تصاویر کتاب *انوار سهیلی*. این کتاب در ۱۰۱۸ق برای جهانگیرشاه، و زیر نظر آقارضا که سرپرست گروه ۱۶ نفری نقاشان معروف آن دوره بود، فراهم آمده است. ۵ تصویر این کتاب اثر آقارضاست و در ذیل آنها اسامی آقارضا، آقامحمدرضا و محمدرضا با عنوان اضافی مرید یا مرید پادشاه دیده می‌شود. البته آقارضا در ارائه نقاشی‌های *انوار سهیلی* تحت تأثیر نقاشی هندی به گونه‌ای رئالیسم گراییده است. برخی برآنند که فقط تصویر شماره ۲۹ کتاب *انوار سهیلی* عمل آقارضا، و بقیه کار هنرمندان دیگر دربار بوده است (دریائی، ۶۹-۷۰؛ کریم‌زاده،

۲۰۲-۲۰۳؛ جغتائی، ۳۵-۳۶). این تصویر، مجلس بزمی شاهانه است که شاه جوان را در حال صحبت با ندیمان نشان می‌دهد. از نوشته بالای تصویر برمی‌آید که یکی از خواص نزدیک، طبق زرینی زیر قباب خود پنهان کرده و شاه متوجه آن شده است. در این اثر، شاه در وسط تالار نشسته و چند نوازنده در کنار دیده می‌شوند و عده‌ای نیز به خدمت مشغول‌اند. در پایین جدول به خط قرمز امضای «آقارضا» آمده است (نک: هنر و مردم، شم ۱۸۲).

۳. تصویر نشسته شاهزاده جوانی که باز شکاری به دست گرفته و دوزانو در مقابل پیرمردی قرار دارد. مرد تومندی نیز در کنار جوی آب و جوانی در حال نواختن عود دیده می‌شود و در گوشه چپ تصویر، اسب شاهزاده قرار دارد. این اثر را نقاش در ۱۰۳۰ق در سن ۶۰ سالگی به تصویر کشیده است و خود را در آن مرید با اخلاص آقارضا جهانگیر پادشاهی خوانده است (نک: روی جلد هنر و مردم، شم ۵۳ و ۱۲۱).

۴. تصویری در مرقع گلستان که در آن پادشاهی دوزانو در خدمت پیرمردی لاغر اندام نشسته و صحبت می‌کند. پیرمرد در میان برکه آب و درختی بلند، دوزانو بر روی زمین نشسته و قوش باز و کماندار سلطنتی در پشت سر پادشاه دیده می‌شود. یکی از ندیمان مرشد، کنار دست وی قرار گرفته و درخت پر برگ انگوری نیز در تصویر دیده می‌شود. روی تکه سنگی در تصویر این رقم آمده است: «مرید با اخلاص آقارضا».

۵. آثاری که از وی در کتابخانه گلستان تهران وجود دارد بدین شرح است:

الف - تصویر مجلس شاهانه و جمع نوازندگان، با رقم: «عمل رضای مرید پادشاه سلیم».

ب - تصویر مرد جوانی که نامه می‌خواند با رقم: «بنده با اخلاص آقارضا».

ج - تصویر شاه سلیم با دوستان خود در صحرا با رقم: «آقارضا مرید با اخلاص عمل نادرالزمانی جمعه تمام شد».

۶. تصویر مجلس شاهانه جهانگیر که شاه در آن با آرایش و

صلابت پادشاهی در قصر نشسته است. در این تصویر ۴ مستخدم مخصوص در صحن باغ دیده می‌شوند. منظره باغ و تصویر قصر سلطنتی و افق دور و نمایش کوهها بسیار هنرمندانه نقاشی شده است. این اثر با رقم: «عمل غلام بااخلاص آقارضا مصور جهانگیر شاهی» در موزه هنرهای تزیینی ایران نگهداری می‌شود (نک: روی جلد هنر و مردم، شم ۶۵).

۷. تصویر دختری با لباس سبز و کلاهی پارچه‌ای که بادبزی نگارین در دست گرفته و در محلی ایستاده است. در زمینه این تابلو چند گل و چند تکه سنگ در بالای تصویر و یک ردیف ابر چینی (چین دومانی) دیده می‌شود. مهر مخصوص سلطنتی باسجج (بنده شاه ولایت عباس) در قسمت بالا و سمت راست جلب نظر می‌کند. رقم نقاش به خط قلم مویی چنین است «مشقه آقارضا».

۸. تصویری از سعدی در حال مطالعه کتاب. این تصویر در کتابخانه ملی اتریش (شم ۳۱۳) در مجموعه‌ای به نام «مجموعه مختلط»<sup>(۱)</sup> موجود است. این مرقع مشتمل است بر چندین صفحه از خطوط بسیار زیبای خوشنویسان عهد صفوی و چند صفحه نقاشی که یکی از آنها کار آقارضا کاشانی است. کورت هولتر<sup>(۲)</sup> نقاشی آقارضا را از سعدی در آخر کتاب «صورت‌های ایرانی»<sup>(۳)</sup> با همان رنگ‌های اصلی به چاپ رسانده است (اقبال، تصویری از شیخ سعدی...، ۴۶۰؛ برای موارد دیگر نک: کریم‌زاده تبریزی، ۲۰۳-۲۰۵؛ دریائی، ۷۱-۷۲؛ جغتائی، ۳۶؛ سوسک، ۱۸۱-۱۸۲؛ تیتلی، ۲۰۵-۲۰۶، ۱۸۶؛ آثار ایران، ۱۰۵/۱-۱۰۵؛ سوارپ، ۱۴۶؛ بینیون، ۱۹۲، ۱۴۹؛ آشر، ۱۰۵-۱۰۱/۴(۱)؛ بیچ، ۷۳-۷۲/۳(۱).

**منابع:** اسکندر بیگ ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، تهران ۱۳۵۰ش؛ اقبال، عباس، «تصویری از شیخ سعدی، کار آقا رضا، نقاش معروف عصر صفوی»، مهر، تهران، س ۸، ۱۳۳۱ش؛ همو، «آقارضا عباسی و آقارضا کاشی»، یادگار، تهران ۱۳۲۵ش، س ۲، ش ۱۰؛ بیانی، مهدی، کارنامه بزرگان ایران، تهران ۱۳۴۰ش؛ جغتائی، محمد، «سخنی پیرامون هنر بهزاد و آقارضا»، ترجمه محمد ریاض، هنر و مردم، تهران ۱۳۵۶ش، س ۱۶، ش ۱۸۲؛ دریائی، ابوالفضل، تأثیر فرهنگ و هنر ایران در شکل‌گیری مکتب نقاشی هند و ایرانی در دوره بابرین هند، پایان نامه تحصیلی دانشگاه تربیت مدرس، تهران ۱۳۷۲ش؛ سهیلی خوانساری، احمد، پاورقی برگلستان هنر، (نک: هم، منشی)؛ کریم‌زاده تبریزی،

محمدعلی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، لندن ۱۳۶۳ش؛ منشی قمی، احمدبن شرف‌الدین حسین، گلستان هنر، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران، بی‌تا؛ همایونفرخ، رکن‌الدین، «کارنامه هنری هنرمندان همنام رضا عباسی، رضا مصور کاشی، آقارضا مصور هروی»، هنر و مردم، تهران ۱۳۵۴ش، س ۱۴، ش ۱۵۸؛ نیز:

Asher, C.B., *The New Cambridge History of India, Architecture of Mughal India*, Cambridge, Cambridge 1992; Beach, M.C., "Mughal and Rajput Painting", *The New Cambridge History of India*, Cambridge 1992; Binyon and J.V.S. Wilkinson and, Basil Gray, *Persian Miniature Painting*, New York, N.d; Sovcek, P.P., "ĀQĀ REZĀ HERAVI", *Iranica*, vol.2; Titley, N.M., *Persian Miniature Painting*, London 1983; Swarup, Sh., *5000 Yaers of Arts and Crafts in India and Pakistan*, Bombay 1968, Verma, A.M., *Mughal Painters and Their Works*, Delhi 1990.

نذیر احمد - محمدجواد شمس

1. Cadex Mixte

2. Kurt Holter

3. Persische Miniaturen